

# گزیده مقالات روایت

مارتین مکوئیلان  
ترجمه‌ی فتاح محمدی

## فهرست مطالب

میخائیل باختین، از کتاب تخیلِ گفت و گویی	۸۵
ولادیمیر پروپ، «اودیپ در پرتو فرهنگ عامه»	۹۲
ویکتور اشکلوفسکی، «تریستران شندی استرن: حواشی سبک‌شناختی»	۱۰۰
بوریس توماشفسکی، «مضمون‌شناسی»	۱۰۶
وین بوث، از کتاب ریطوریقای داستان	۱۰۸
<b>فصل دوم: ساختارگرایی</b>	۱۱۸
<b>الف: تعاریف</b>	۱۱۹
کلود لوی - استروس، «مطالعه‌ی ساختاری اسطوره»	۱۱۹
میک بال، از کتاب روایت‌شناسی	۱۲۸
کریستین متس، «یادداشت‌هایی در جهت پدیدارشناسی روایت»	۱۳۵
<b>ب: نظریه‌ها</b>	۱۴۲
ژرار ژنت، «نظم در روایت»	۱۴۲
سیمور چتمن، «نقطه‌دید»	۱۵۰
جرالد پرینس، «پیش‌درآمدی برای بررسی روایت‌نویس»	۱۵۴
جاناتان کالر، «داستان و گفتمان در تحلیل روایت»	۱۶۱
<b>ج: خوانش‌ها</b>	۱۶۹

۱	طرز استفاده از این کتاب
۷	مقدمه: معماهای نوشتار: روایت و ذهنیت
۵۹	<b>بخش اول : آغازها</b>
۶۰	<b>فصل اول: فرم و گفتمان</b>
۶۱	<b>الف: تحلیل کلاسیک</b>
۶۱	افلاطون، از رساله‌ی جمهور، فصل ۲۵، «تمثیل غار»
۶۵	ارسطو، از کتاب فن شعر، «طرح»
۷۲	<b>ب: تحلیل قرن بیستمی</b>
۷۲	ا. م. فورستر، «داستان» و «طرح»
۷۴	والتر بنیامین، «داستان‌گو: تأملاتی بر آثار نیکولای لیسکوف»

رام هاره، «برخی قراردادهای روایی در گفتمان علمی»	۲۵۵
سوزان مکگری، «بداهه‌نوازی‌ای که پا روی یک تکه نان گذاشته است: یا چگونه موسیقی قصه می‌گوید»	۲۵۷
جان برگر، «داستان‌ها»	۲۶۴
<b>بخش دوم: آوارگی</b>	۲۷۱
<b>فصل چهارم: روان‌کاوی</b>	۲۷۲
لورا مالوی، «لذت بصری و سینمای روایی»	۲۷۳
لورا مالوی، تکمله‌هایی بر «لذت بصری و سینمای روایی» با الهام از دونل در آفتاب	۲۸۰
استیون هیث، «فضای روایی»	۲۸۴
الیزابت برونفن، «داستان‌های شبح‌گون»	۲۹۷
<b>فصل پنجم: تفاوت جنسی</b>	۳۰۶
سوزان س. لَنسر، «به‌سوی یک روایت‌شناسی فمینیستی»	۳۰۷
نیللی دینگوت، «روایت‌شناسی و فمینیسم»	۳۱۳
تریزا د لائورتیس، «میل در روایت»	۳۱۷

رولان بارت، «پیش‌درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت»	۱۶۹
اومبرتو اکو، «ساختار روایی در یان فلمینگ»	۱۷۸
تسوتان تودوروف، «سنخ‌شناسی داستان کارآگاهی»	۱۸۷
<b>فصل سوم: مابعد روایت‌شناسی</b>	۱۹۸
<b>الف: تأملات</b>	۱۹۹
ژرار ژنت، از کتاب نگاهی دوباره به گفتمان روایی	۲۰۰
جرالد پرینس، «درباره‌ی روایت‌شناسی» (گذشته، حال، آینده)	۲۰۱
رولان بارت، «تحلیل متن بنیاد: 'والدمار'، نوشته‌ی ادگار آلن پو»	۲۰۲
<b>ب: پاسخ‌ها</b>	۲۱۴
باربارا هرنستاین اسمیت، «ترجمان‌های روایی، نظریه‌های روایی»	۲۱۴
پیتر بروکس، از کتاب خواندن از پی طرح	۲۲۵
اندرو گیسون، از کتاب به سوی یک نظریه‌ی پست‌مدرن در باب روایت	۲۳۶
<b>ج: وراي تأملات و پاسخ‌ها</b>	۲۴۳
ژان-فرانسوا لیوتار، از کتاب وضعیت پست‌مدرن	۲۴۳
دانلد ن. مکلاسکی، «داستان‌سرایی در علم اقتصاد»	۲۵۰
برنارد س. جکسون، «نظریه‌های روایتی و گفتمان حقوقی»	۲۵۲

ساموئل وبر، «بهره‌برداری از تاریخ به نفع خود: تأملاتی در ناخودآگاه سیاسی»	۴۲۱	جودیت روف، از کتاب همان باش که هستی: تمایل جنسی و روایت	۳۳۰
هانس کلنر، «روایت‌مندی در تاریخ: پساساختارگرایی و بعد از آن»	۴۳۰	<b>فصل هشتم: واسازی</b>	۳۴۲
<b>فصل نهم: نژاد</b>	۴۴۴	ژاک دریدا، «قانون ژانر»	۳۴۳
ادوارد سعید، از کتاب فرهنگ و امپریالیسم	۴۴۵	پل دومان، «قرائت (پروست)»	۳۵۴
هنری لوئیس گیتس پسر، «سیزده روش برای نگاه کردن به مردی سیاه‌پوست»	۴۵۲	ج. هیلیس میلر، «خط»	۳۶۰
هومی ک. بابا، «انتشار ملت: زمان، روایت، و حاشیه‌های ملت مدرن»	۴۵۸	باربارا جانسون، «تفاوت انتقادی: بارت/ بالزاک»	۳۷۲
ترین مین-ها، «داستان مادر بزرگ»	۴۶۶	<b>فصل هفتم: پدیدارشناسی</b>	۳۸۰
<b>بخش سوم: رده‌بندی‌ها</b>	۴۸۵	وُلْفگانگ ایزر، «گفت‌وگویی با وین بوث»	۳۸۱
گاه‌شماری نظریه‌ی روایت در قرن بیستم	۴۸۶	دوریت کون، از کتاب ذهن‌های شفاف: شیوه‌های روایی برای نشان دادن آگاهی در قصه	۳۹۲
فرهنگ اصطلاحات روایت	۴۹۴	پل ریکور، «زمان روایی»	۳۹۹
گزیده کتاب‌شناسی نظریه‌های روایت	۵۲۶	<b>فصل هشتم: تاریخ</b>	۴۱۰
واژه‌نامه	۵۵۰	شوشانا فلمن، از کتاب گواهی: بحران شهادت دادن در ادبیات، روان‌کاری و تاریخ	۴۱۱
نمایه	۵۶۰	فردریک جیمسون، از کتاب ناخودآگاه سیاسی: روایت به مثابه یک عمل نمادین اجتماعی	۴۱۷

## فصل اول: فرم و گفتمان

### الف: تحلیل کلاسیک

افلاطون، از رساله‌ی جمهور، فصل ۲۵، «تمثیل غار»\*

همچنین نک:

ارسطو (۱ - الف)

بنیامین (۱ - ج)

اسمیت (۳ - ب)

گیسون (۳ - ب)

دریدا (۶)

ریکور (۷)

بعد، گفتم: مثلی می‌آورم تا نشان دهم که سرشت ما تا چه میزان ممکن است روشن‌بین یا اسیر جهل و تاریکی باشد. وضعیت مردانی را تصور کن که در نوعی محفظه‌ی غارمانند در زیرزمین زندگی می‌کنند؛ این محفظه دریچه‌ای دارد که نور از آن به درون می‌تابد، و یک دالان دراز به انتهای غار. آنان از کودکی در اینجا بوده‌اند، پاهایشان و نیز گردن‌هایشان

\* Oxford : Oxford University Press, 1941, tans. F. Cornford, pp. 222-6.

طوری به هم زنجیر شده‌اند که نمی‌توانند تکان بخورند و فقط قادر به دیدن چیزهایی هستند که در روبه‌رویشان قرار دارند، زیرا زنجیر به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که سرهاشان را بچرخانند. در فاصله‌ای از آن‌ها بر فراز سرشان نور آتشی است که در پشت سرشان می‌سوزد؛ و در فاصله‌ی میان محبوسان و آتش مسیری هست با دیواره‌ای در سرتاسر آن، مثل پرده‌ی نمایشی عروسکی، که اجراکنندگان را از نظر پنهان می‌سازد آن هنگام که آن‌ها از بالا عروسک‌هاشان را نشان می‌دهند.

گفت: دیدم.

اکنون در پشت این دیواره اشخاصی را مجسم کن که اشیای دست ساخته‌ی گوناگونی را که از بالای دیواره به نمایش درمی‌آورند در دست دارند؛ از جمله‌ی این اشیا پیکره‌هایی هستند از انسان‌ها و حیوانات، که از چوب یا سنگ یا مواد دیگر ساخته شده‌اند. مسلماً، برخی از این اشخاص در حال سخن گفتن خواهند بود، و دیگران ساکت خواهند بود.

گفت: تصویر عجیبی است، و نوع عجیبی از محبوسان.

پاسخ دادم: مثل خود ما؛ چون اولاً محبوسانی چنین به بند کشیده چیزی از خودشان یا یکدیگر نتوانند دید، مگر سایه‌هایی که نور آتش بر دیوار غار در روبه‌روی آن‌ها می‌اندازد، جز این است؟

اگر در سرتاسر عمرشان از تکان دادن سرشان جلوگیری شده باشد، نه، جز این نیست.

و آن‌ها چندان چیزی از اشیایی که در آن سوی دیوار این سو و آن سو می‌روند نتوانند دید.

البته.

اکنون، اگر می‌توانستند با یکدیگر سخن بگویند، آیا گمان نمی‌کردند که کلماتشان تنها به سایه‌های گریزانی اشاره دارند که آنان دیده‌اند؟ لزوماً.

و چه می‌شد اگر زندان آن‌ها پژواکی از دیوار روبه‌رویشان داشت؟ هرگاه کسی در حال عبور حرف می‌زد، آنان تنها می‌توانستند گمان کنند که صدا از سایه‌هایی به گوش می‌رسد که در برابر چشمان آن‌ها می‌گذرند.

بدون شک.

پس، به هر طریق، این‌گونه زندانیان چیزی جز آنچه که سایه‌های آن اشیای مصنوع‌اند به‌عنوان واقعیت تصدیق نخواهند کرد.

به طور حتم.

اکنون در نظر بگیرید که چه اتفاقی می‌افتد اگر آن‌ها از زنجیرهاشان آزاد شوند و از

این طریق درد بی‌خردی‌شان درمان شود. فرض کن یکی از آنان از بند آزاد شود و ناگهان مجبور شود از جا برخیزد، سر خود را بچرخاند، و درحالی که نور به چشمانش می‌تابد راه برود؛ تمامی این حرکات دردناک خواهند بود، و او بیش از آن گیج خواهد بود که بتواند اشیایی را که تا کنون سایه‌هایشان را می‌دید به جا بیاورد. گمان می‌کنی او چه خواهد گفت اگر کسی به او بگوید که آنچه پیش‌تر دیده بود پنداری بی‌معنی بوده است، اما اکنون، که قدری به واقعیت نزدیک‌تر شده و با اشیای واقعی‌تر رو به رو گشته است، منظری حقیقی‌تر دارد؟ باز هم فرض کن اشیای جوراجوری را که [در پشت دیواره] جابه‌جا می‌شدند به او نشان می‌دادند و از او می‌خواستند که بگوید هر یک از آن‌ها چیست. آیا او در حیرت فرو نمی‌رفت و باور نمی‌کرد که اشیایی که اکنون به او نشان داده می‌شوند در مقایسه با آنچه او پیش‌تر دیده بود چندان واقعی نیستند؟

بله، تقریباً به آن اندازه واقعی نیستند.

و اگر او مجبور می‌شد به خود همان نور آتش نگاه کند، آیا چشمانش درد نمی‌گرفت و تلاش نمی‌کرد که بگریزد و پشت به چیزهایی بکند که نمی‌توانست به وضوح ببیندشان، و متقاعد نمی‌شد که آن‌ها واقعاً واضح‌تر از این اشیای دیگری هستند که اکنون به او نشان داده می‌شوند؟

بله.

و فرض کن که کسی به زور او را به بالای پشته و تپه‌ی ناهمواری می‌برد و رهایش نمی‌کرد تا آن زمان که او را در زیر نور خورشید به بالای تپه بکشاند، آیا چنین برخوردی موجب درد و ناراحتی او نمی‌شد، و، وقتی که پای در روشنایی می‌گذاشت، احساس نمی‌کرد که پرتوهای نور چشمانش را چنان پر کرده که او نمی‌تواند هیچ‌یک از چیزهایی را که اکنون به او گفته می‌شد واقعی‌اند ببیند؟

بدون شک همه‌ی آن‌ها را نمی‌تواند در یک آن ببیند.

بنابراین، نیازمند این خواهد بود که پیش از آنکه بتواند چیزها را در آن جهان فرازین ببیند [با وضعیت جدید] خو بگیرد. در آغاز، به جا آوردن سایه‌ها آسان‌ترین کار خواهد بود، و سپس تصاویر انسان‌ها و چیزها که روی آب، و بعد روی خود چیزها، منعکس می‌شوند. پس از آن، تماشای اجرام آسمانی و خود آسمان در شب آسان‌تر خواهد بود، نگاه کردن به نور ماه و ستاره‌ها به جای خورشید و نور خورشید در طی روز.

بله، یقیناً.

و سرانجام، او خواهد توانست به خورشید نگاه کند و به سرشت آن ببیندش، نه به صورتی که به هنگام انعکاس در آب یا هر بازتاب‌دهنده‌ی بیگانه‌ای به نظر می‌رسد، بلکه به صورتی که فی‌نفسه در قلمرو خاص خودش هست.